

Typology of False Claimants to Mahdism in Contemporary Iran

Moslem Kamyab¹ 

Received: 2025/04/22 • Revised: 2025/06/18 • Accepted: 2025/07/21 • Available Online: 2025/09/01



Abstract

The phenomenon of false claimants to Mahdism, as a persistent challenge within Shia societies, has consistently required systematic and methodical investigation. Despite the considerable body of research conducted on this subject, many existing studies suffer from two fundamental weaknesses: first, a tendency toward mere descriptivism without offering deeper analysis; and second, an inability to raise new research questions or contribute to theoretical knowledge in this field. These shortcomings highlight the need to rethink the methodological foundations of such studies.

Within this context, developing a systematic typology of this phenomenon in the geographic and historical framework of contemporary Iran can serve as a crucial step toward understanding its multidimensional nature. Employing a descriptive–analytical approach, and using a library-based method that includes both published sources and

1. Assistant Professor, Department of Mahdism Studies, Research Center for Mahdism and Future Studies, Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran.
m.kamyab@isca.ac.ir

* Kamyab, M. (2025). Typology of false claimants to Mahdism in contemporary Iran. *Mahdavi Society*, 6(1), pp. 191-221. <https://doi.org/10.22081/jm.2025.72502.1115>

▣ **Type of article:** Research Article * **Publisher:** Islamic Sciences and Culture Academy

© 2025

authors retain the copyright and full publishing rights



unpublished documents, the present study seeks to propose a comprehensive model for categorizing these claimants. A brief survey of false claimants to Mahdism throughout Iran's history is adopted as the point of departure to offer a clearer picture of the discussion. Existing studies indicate that false claimants may be classified into six types based on: the nature of the claim, the outcome of the claim, the geographical scope of the claim, the suitability of the target community, the degree of organizational structure, and the methods and techniques used for attracting followers. This multidimensional typology provides an analytical framework for a deeper understanding of the phenomenon and for proposing appropriate strategies to confront it, especially since examining each type can reveal meaningful correlations with the unique social, cultural, and political conditions of each historical period.

Keywords

Mahdism, pathology, movement studies, typology, false claimants, contemporary Iran.

گونه‌شناسی مدعیان دروغین مهدویت در ایران معاصر

مسلم کامیاب^۱ 

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۰۲ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۳/۲۸ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۳۰ • تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۶/۱۰



چکیده

پدیده مدعیان دروغین مهدویت به مثابه یکی از چالش‌های مستمر در جوامع شیعی، همواره مستلزم بررسی‌های نظام‌مند و روش‌مند بوده است. با وجود پژوهش‌های پرشماری که در این زمینه صورت گرفته است، بسیاری از مطالعات موجود، از دو ضعف بنیادین رنج می‌برند: نخست، گرایش به توصیف‌گرایی صرف بدون ارائه تحلیل، و دوم، ناتوانی در طرح مسائل پژوهشی نوین و تولید دانش نظری در این حوزه. این کاستی‌ها لزوم بازاندیشی در روش‌شناسی این مطالعات را آشکار می‌کند. در این میان، گونه‌شناسی نظام‌مند این پدیده در چارچوب جغرافیایی و تاریخی ایران معاصر می‌تواند گامی اساسی در جهت فهم چندبعدی پدیده مدعیان دروغین در دوران معاصر باشد. پژوهش حاضر با اتخاذ رویکردی توصیفی - تحلیلی و با استفاده از روش کتابخانه‌ای - شامل بررسی منابع منتشر شده و اسناد منتشر نشده - درصدد است تا الگویی جامع برای طبقه‌بندی این مدعیان ارائه دهد. بررسی اجمالی مدعیان دروغین مهدویت در طول تاریخ ایران آغازی است که این نوشتار برای ارائه تصویری روشن از

۱. استادیار، گروه مهدویت پژوهی، پژوهشکده مهدویت و آینده‌پژوهی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران.

m.kamyab@isca.ac.ir

* کامیاب، مسلم. (۱۴۰۴). گونه‌شناسی مدعیان دروغین مهدویت در ایران معاصر. جامعه مهدوی، ۱۶(۱)، صص ۱۹۱-۲۲۱.

<https://doi.org/10.22081/jm.2025.72502.1115>

□ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

© ۲۰۲۵ «نویسندگان دارنده حق مؤلف مقاله خود بدون محدودیت هستند»



بحث برمی‌گزیند. مطالعات موجود نشان می‌دهد که مدعیان دروغین را می‌توان در شش گونه بر اساس نوع و ماهیت ادعا، سرانجام ادعا، دامنه جغرافیایی ادعا، تناسب جامعه هدف، میزان ساختارمندبودن تشکیلات، روش‌ها و تکنیک‌های جذب پیروان دسته‌بندی کرد. این طبقه‌بندی چندبعدی می‌تواند چارچوبی تحلیلی برای درک عمیق‌تر این پدیده و نیز ارائه راهکارهای مناسب برای مواجهه با آن فراهم آورد، به‌ویژه آنکه بررسی هریک از این گونه‌ها می‌تواند رابطه معناداری با شرایط خاص اجتماعی، فرهنگی و سیاسی هر دوره تاریخی نشان دهد.

کلیدواژه‌ها

مهدویت، آسیب‌شناسی، جریان‌شناسی، گونه‌شناسی، مدعیان دروغین، ایران معاصر.

مقدمه

نگاهی به تاریخ نشان می‌دهد همواره گروه‌ها و جریان‌هایی - سازمان‌یافته یا خودجوش - با سوءاستفاده از نام مقدس حضرت مهدی علیه السلام، موجبات گمراهی بخشی از مردم را فراهم کرده‌اند. این مدعیان دروغین در پوشش خیرخواهی و سعادت‌بخشی ظاهر شده‌اند؛ اما در پس این نقاب فریبنده، به تخریب بنیان‌های اعتقادی و هویت دینی جامعه پرداخته‌اند. نمونه‌های بارز این جریان‌های خطرناک را می‌توان در ظهور فرقه‌هایی همچون بهائیت در دوران قاجار و نیز ادعاهای افرادی مانند احمد اسماعیل بصری در عصر حاضر مشاهده کرد. این فرقه‌های انحرافی که با کج‌اندیشی‌های اعتقادی و انحرافات اخلاقی همراه بوده‌اند، هردو، تهدیدی برای باورهای اصیل اسلامی و چالشی جدی در برابر نظام اسلامی هستند. فراوانی پرونده‌های قضایی و پیامدهای ناگوار ناشی از گرایش به این جریان‌ها، گواه روشنی بر این ادعاست.

به نظر می‌رسد یکی از مسائل بنیادین در این عرصه، طبقه‌بندی گونه‌های ادعایی مدعیان دروغین است. ادعاهای این مدعیان، همانند هر پدیده اجتماعی دیگر، در بستر شرایط زمانی، فرهنگی و اجتماعی خاص مدعی صورت‌بندی می‌شود؛ از این رو در هر جغرافیا و برهه‌ای، واجد ویژگی‌های منحصر به فردی می‌گردد. افزون بر این، خاستگاه طرح ادعا و انگیزه‌های پنهان پشت آن در هر مورد متفاوت بوده است و می‌تواند به نتایج و تبعات گوناگونی بینجامد.

گونه‌شناسی مدعیان دروغین، گذشته از آنکه به درک عمیق‌تر این پدیده کمک می‌کند، بازنمای حقایق مهمی از تاریخ معاصر است که می‌تواند تصویری گویا از جریان‌های مدعی ترسیم کند. مهم‌تر از همه، روشمندسازی مطالعات در این حوزه، از جمله کارکردهای کلیدی گونه‌شناسی است. اگرچه روشمندی، شرط لازم هر پژوهش علمی است، فقدان این رویکرد در بسیاری از آثار منتشر شده، از غنای تحقیقات کاسته و آنها را کم‌اثر ساخته است.

براین اساس، نوشتار حاضر که با روش توصیفی - تحلیلی سامان یافته، در پی پاسخ به این پرسش‌های اساسی است: آیا همه مدعیان دروغین مهدویت، پدیده‌ای همسان و

یکپارچه تلقی می‌شوند؟ چه شواهدی گویای تکثر و تنوع در میان این مدعیان است؟ این مطالعه، دامنه مکانی و زمانی خود را به ایران معاصر - از آغاز حکومت قاجار تا سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی - محدود کرده است (مدنی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۱۴). گزینش این بازه تاریخی به جهت دو عامل کلیدی ذیل صورت پذیرفته است:

(۱) تمایز کیفی ادعاها: مدعیان دروغین مهدویت در این دوره - به‌ویژه در دهه‌های متأخر - از حیث ماهیت ادعا، شیوه‌های تبلیغ و پیامدهای اجتماعی، واجد تمایزات بنیادین با نمونه‌های پیشاتاریخی خود هستند.

(۲) انطباق با بافت پژوهشی: انتخاب این محدوده زمانی، از آن روست که همخوانی مستقیمی با دغدغه‌ها و پرسش‌های مخاطب معاصر این پژوهش دارد. این رویکرد، واکاوی موضوع را در چارچوب واقعیات عینی جامعه ایران ممکن می‌کند و از بررسی آن در فضایی انتزاعی و بی‌ربط با شرایط کنونی، اجتناب می‌ورزد. این پژوهش با اتکا بر دو روش اصلی اسنادی و میدانی، به گردآوری داده‌ها پرداخته است:

الف) مطالعه منابع مکتوب منتشرشده: در این بخش، جریان‌های انحرافی معاصر که عمدتاً در دوران قبل از انقلاب اسلامی ایران ظهور یافته‌اند، مورد تحلیل و واکاوی عمیق قرار گرفته‌اند؛ ازجمله این فرقه‌ها می‌توان به جریان‌هایی چون شیخیه، باییت، بهائیت، طلوعیان و برخی دیگر از گروه‌های انحرافی بعد از انقلاب مانند جریان احمد اسماعیل بصری اشاره کرد که هریک به شیوه‌ای نظام‌مند بررسی شده‌اند.

ب) مطالعه منابع منتشرنشده (آرشیوی): در این مرحله، پژوهش با استناد به اسناد آرشیوی، شامل پرونده‌های قضایی و امنیتی، مستندات تصویری، و همچنین گزارش‌های میدانی محرمانه، به سرانجام رسیده است. دسترسی به این اسناد، با محدودیت‌هایی همراه بود که امکان بررسی فقط هفده پرونده را فراهم کرد.

روش کار با این اسناد، بدین ترتیب بود که ابتدا مطالب مرتبط، از هر پرونده به‌دقت استخراج شد. سپس داده‌های استخراج‌شده بر اساس میزان ارتباط با موضوع پژوهش، تفکیک و طبقه‌بندی شد و درنهایت، به تناسب هر بخش، در فرایند گونه‌شناسی استفاده

شد. این رهیافت ترکیبی در گردآوری داده‌ها، امکان تحلیل جامع و کشف الگوهای پنهان در عملکرد مدعیان دروغین را برای این پژوهش و مطالعات آتی فراهم می‌کند. به پژوهش‌های انجام‌شده در باب مدعیان دروغین مهدویت می‌توان در سه دسته متمایز توجه کرد:

دسته نخست، مشتمل بر مطالعات موردی است که به نقد و تحلیل اندیشه‌های چهره‌های شاخصی چون علی محمد باب پرداخته‌اند؛ آثاری ارزشمند همچون آیتی (۱۳۴۰)، مصطفوی (۱۳۸۶) و حاج‌قلی و همکاران (۱۳۹۵) در این زمره جای می‌گیرند. ازجمله تحقیقات معاصر نیز می‌توان به حجامی (بی‌تا) در بررسی علی یعقوبی، و همچنین آثار آیتی (۱۳۹۴)، شهبازیان (۱۳۹۴)، محمدی هوشیار (۱۳۹۷) و کامیاب (۱۴۰۰) اشاره کرد که همگی به واکاوی جریان احمد اسماعیل بصری اهتمام داشته‌اند.

دسته دوم، پژوهش‌هایی با رویکرد تاریخی و گزارشی است که در این میان، جعفریان (۱۳۹۳) همراه با آثار جامعه مدرسین حوزه علمی قم (۱۴۲۹) و جمعی از نویسندگان (۱۳۸۸)، ازجمله منابع شاخص هستند.

دسته سوم، رویکردی تحلیلی و ژرف‌نگرانه دارد که در این زمینه، دو اثر برجسته عرفان (۱۳۹۲) با محوریت واکاوی علل ظهور مدعیان و عرفان (۱۳۹۵) در تحلیل رفتارشناسی ائمه اطهار در برخورد با این جریان‌ها، جایگاه ویژه‌ای یافته‌اند. افزون بر این، محمدی هوشیار (۱۳۹۷) با استفاده از روش‌شناسی نوین جریان‌شناسی و ارائه تحلیلی لایه‌بندی‌شده از عوامل شکل‌گیری مدعیان مهدویت، نمونه‌ای بدیع و متمایز از پژوهش‌های پیشین عرضه کرده است.

در حوزه تخصصی این پژوهش، مقاله عرفان و صفری‌فروشانی (۱۳۹۳) نگاشته شده است. این نوشتار به بررسی گونه‌هایی، همچون نوع ادعا، ماهیت ادعا و مقطع تاریخی آن پرداخته است. تفاوت اثر حاضر با این مقاله، نخست در محدوده زمانی و جغرافیایی ایران معاصر است، و دیگر آنکه، گونه‌های مورد اشاره در این پژوهش با فراوانی

بیشتری مواجه بوده‌اند. افزون بر این، تحقیق پیش‌رو مبتنی بر منابع مکتوب، پژوهش‌های میدانی و نیز پرونده‌های مدعیان شکل گرفته است و اساساً می‌کوشد تا ضمن معرفی مدعیان معاصر، تصویری روشن و مستند از ایشان به دست دهد. این اثر با استفاده از داده‌های عینی و تحلیل‌های عمیق‌تر، گامی فراتر از پژوهش‌های پیشین برداشته و با نگاهی نظام‌مند به واکاوی گونه‌های مدعیان دروغین در بستر جامعه ایران معاصر پرداخته است.

۱. وضعیت‌سنجی مدعیان دروغین مهدویت در تاریخ ایران

مطالعه تاریخی مدعیان دروغین مهدویت، بیانگر سوءاستفاده سازمان‌یافته از مفاهیم ناب امامت و مهدویت در طول تاریخ است. از منظر جغرافیایی، کانون‌های شکل‌گیری این جریان‌ها به‌طور عمده، در دو منطقه متمرکز بوده‌اند: بخشی در محدوده جغرافیایی ایران، و بخش دیگر، در خارج از مرزهای ایران، به‌ویژه در مناطق عراق. نکته قابل تأمل آنکه، باوجود تفاوت در خاستگاه جغرافیایی، تبلیغات و فعالیت‌های این جریان‌ها همواره به سرزمین ایران نیز گسترش یافته است. از منظر زمانی می‌توان سیر تحول این مدعیان را به دو دوره قبل از قاجار و بعد از آن دسته‌بندی کرد.

۱-۱. صدر اسلام تا دوران قاجار

در دوران ابتدایی اسلام، برخی جریان‌های انحرافی که به‌طور عمده خاستگاه تشکیل آنان در عراق بوده است، به ایران نفوذ کرده‌اند؛ برای نمونه در دوران بنی‌امیه (۴۱-۱۳۲ق) سه جریان «کیسانیه» (وداد قاضی، ۱۹۷۴م، صص ۵۵ و ۱۳۶)، «هاشمیه» (اصفهانی، ۱۹۸۷م، ص ۱۲۳) و «جناحیه» (ابن خلدون، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۱۹۷) به‌صورت مقطعی در ایران فعال بوده‌اند. بعد از آن، در دوران بنی‌عباس (حک: ۱۳۵-۶۵۶ق) دو جریان «اسماعیلیه» (اشعری قمی، ۱۳۸۷، ص ۱۵۳؛ محمداف، ۱۳۹۰، ص ۱۶۴) و «زیدیه جارودیه» (رحمتی، ۱۳۹۲، ص ۵۰) فعالیت داشته‌اند. با ازیب رفتن حکومت عباسیان و ایجاد حکومت‌های محلی در برخی از نقاط جهان اسلام، از جمله ایران، جنبش‌های انحرافی پرشماری شکل گرفتند. از

مهم‌ترین جریان‌های انحرافی که به‌طور عمده با افکار صوفیانه همراه بوده‌اند می‌توان به «حروفیه» (ذکاوتی و لاجوردی، ۱۳۹۱، ج ۲۰، ص ۳۸۴)، «نقطویه» (ذکاوتی، ۱۳۹۹، ص ۲۴)، «مشعشعیان» (شوشتری، ۱۳۹۲، ج ۵، ص ۳۶۷) و «نوربخشیه» (اسفندیاری، ۱۳۸۹، ص ۹) اشاره کرد. پس از دوره‌ای طولانی از منازعات داخلی در سرزمین ایران، سلسله صفویان (حک: ۹۰۷-۱۱۳۵ق) به قدرت رسید. حکمرانان این سلسله با استفاده از سازوکارهای مختلف، از جمله استفاده راهبردی از مفهوم نیابت از امام عصر علیه السلام، موفق به ایجاد وحدت سیاسی در ایران شدند. موضوع نیابت از حضرت مهدی علیه السلام هم از سوی شخص پادشاهان صفوی و هم توسط طرفداران ایشان، به‌صورت جدی در این دوره مطرح شد (صدافت، ۱۳۹۱).

در دوران پس از فروپاشی صفویه که به‌طور عمده تحت سیطره حکومت‌های افشاریه و زندیه بود، شاهد ظهور مدعیان فرقه‌ای مهدویت نبوده‌ایم. این دوره از حیث جریان‌های مهدوی، دورانی کم‌تحرک و فاقد ادعاهای قابل توجه در این زمینه بود.

۲-۱. قاجار تا انقلاب اسلامی ایران

با روی کار آمدن حکومت قاجار و در پی شرایط نابسامان اجتماعی و سیاسی آن دوره، شاهد ظهور جریان‌های انحرافی جدیدی با شعار مهدویت هستیم که برخی از آنها تا به امروز نیز تداوم دارند و به فعالیت‌های خود ادامه می‌دهند. به‌صورت مشخص، «شیخیه»، «بابیت» و «بهائیت» از مشهورترین فرقه‌های انحرافی آن دوران هستند (حاج قلی و همکاران، ۱۳۹۵). برخی از آنان مانند جریان بابیه، حاکمان قاجار را با چالش‌هایی روبه‌رو کرد و برخی دیگر مانند بهائیت در دوران پهلوی، در دستگاه اداری ایران نفوذ و دخالت فراوانی داشتند. پس از قاجار، در دوران پهلوی و هم‌زمان با ملی‌شدن صنعت نفت در مناطق نفت‌خیز ایران، نهضت طلوعیان با شعار نزدیک‌بودن ظهور شکل گرفت و نزدیک به دو سال بخشی از مناطق بختیاری ایران تحت تأثیر این جریان قرار گرفت (خلج و روشنگر، ۱۳۹۳، ص ۱۵۳).

پیروزی انقلاب اسلامی ایران (۱۳۵۷) سبب احیای دوباره اندیشه مهدویت در سپهر

فکری جامعه‌شناسی شد. هم‌زمان با این تحول فکری، شاهد ظهور طیف متنوعی از مدعیان دروغین مهدویت بوده‌ایم. ادعاهایی مانند ملاقات، تطبیق نشانه‌های ظهور و نزدیکی زمان ظهور از مهم‌ترین ادعاهای این دوره است.

۲. گونه‌شناسی مدعیان دروغین مهدویت در ایران معاصر

پدیده مدعیان مهدویت را نمی‌توان به‌مثابه مجموعه‌ای همگون و یکدست مورد ارزیابی قرار داد که بتوان درباره همه موارد آن، قضاوتی واحد صادر کرد. این پدیده دامنه‌ای وسیع و متنوع دارد که شامل طیف گسترده‌ای می‌شود. اگر بخواهیم همه ابعاد و مصادیق موجود در گونه‌شناسی مدعیان مهدویت را به‌طور جامع بررسی کنیم، نیاز به فهرست‌بندی مفصلی خواهد بود؛ باین حال، اگر تمرکز را بر مهم‌ترین و کلیدی‌ترین گونه‌ها قرار دهیم، می‌توان به دسته‌بندی زیر اشاره کرد:

۲-۱. گونه‌شناسی بر اساس نوع ادعای دروغین

۲-۱-۱. ادعای مهدی

در ایران معاصر، نخستین کسی که آشکارا دعوی مهدویت کرد، علی محمد شیرازی بود که پس از ادعای نیابت و باییت، به ادعای مهدویت روی آورد (اعتضادالسلطنه، ۱۳۷۷، ص ۱۱). در دوران پس از وی، افراد دیگری هرچند کم‌شناخته‌تر نیز چنین ادعاهایی را مطرح ساختند؛ از جمله می‌توان به «الف-م» اشاره کرد. او در سال ۱۳۶۵ خورشیدی خود را «مهدی موعود» خواند. فعالیت‌های وی چنان گسترده شد که برای کشورهای مختلف، سفیرانی تعیین کرد تا آنکه در سال ۱۳۶۶ با مداخله نیروهای امنیتی، ناگزیر به ترکیه و سپس آلمان فرار کرد (جامعه‌مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۲۹ق، ص ۱۱۰).

نمونه دیگری از این رویکرد، علیرضا پیغان است که با ایجاد وب‌سایتی با عنوان «منجی»، ادعاهای خود را ترویج داد. او همچنین کتابی مفصل در ۶۷۳ صفحه با نام «القائم به چاپ رساند. در لابه‌لای صفحات این کتاب، ادعاهای عجیبی به چشم

می‌خورد؛ از جمله این ادعا که امام دوازدهم شیعیان علیه السلام در ابتدای دوره غیبت کبری از دنیا رفته است و آرامگاه ایشان در مسجد جمکران (مکه موعود) قرار دارد! این مدعی در ادامه آورده است که پس از امام دوازدهم، دو امام به نام علی ظهور کرده‌اند که او آخرین آنهاست و به «سید حسنی» ملقب است و مهدی موعود زمان نام دارد (پیغان، بی‌تا، ص ۸۲). این فرد به دلیل اصرار بر این اندیشه‌های انحرافی، به مجازات اعدام محکوم شد. در مقابل این ادعاهای بی‌پایه، معیارهای متقنی در روایات معصومین علیهم السلام برای شناخت مهدی حقیقی بیان شده است؛ از جمله ویژگی‌های ظاهری امام (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، صص ۴۴۶ و ۶۵۳)، سن حضرت در هنگام ظهور (طوسی، ۱۴۲۵؛ صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۶۵۲)، نسب والای ایشان (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۱، صص ۲۴۱ و ۲۶۱)، و نیز ویژگی‌های خاص امامت، مانند برخورداری از علم لدنی (صدوق، ۱۳۶۲، ص ۲۰۰)، عصمت (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۰۰)، قدرت اعجاز و در اختیار داشتن میراث انبیا و اولیای الهی (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۸۴). این معیارها به روشنی نشان می‌دهد که ادعاهای مدعیان دروغین، هیچ‌سختی با ویژگی‌های مهدی موعود علیه السلام ندارد.

۲-۱-۲. ادعای قائمیت

یکی از مشهورترین القاب امام مهدی، لقب قائم است که در منابع روایی، به‌طور فراوان بدان اشاره شده است. هاشمیه اولین فرقه انحرافی منشعب از کیسانیه بود که باور به قائمیت عبدالله بن محمد بن حنفیه معروف به ابوهاشم را مطرح کردند و او را الامام القائم المهدی دانستند (نوبختی، ۱۳۹۱، صص ۳۳-۳۴). جریان واقفیه بر این عقیده بودند که امام موسی بن جعفر علیه السلام همان مهدی و قائم است (نوبختی، ۱۳۹۱، ص ۸۱). در دوران معاصر نیز جریان مدعی یمانی به قائمیت احمد اسماعیل بصری قائل است. آنها بر این باورند مصداق قائم از آل محمد علیهم السلام منحصر در حضرت مهدی علیه السلام نیست و می‌تواند دو مصداق داشته باشد. این جریان در دیدگاه‌های خود، به قائمی پیش از ظهور، و قائمی پس از ظهور اشاره دارند و احمد اسماعیل به‌مثابه قائم پیشینی موظف به اجرای دستورات حضرت مهدی علیه السلام بوده و مردم نیز به‌مثابه یکی از معصومان باید از او پیروی کنند.

(انصاری، بی‌تا، ص ۱۸۶). کاربرد واژه قائم تنها منحصر به امام مهدی علیه السلام است؛ به‌طوری‌که امروزه هرکس سخن از قائم به میان می‌آورد، قائمیت امام مهدی علیه السلام مراد است و مصادیق دیگر به ذهن نمی‌آید؛ زیرا به سبب کاربست فراوان آن در امام مهدی، هرگاه از آن یاد می‌شود، به‌مثابه وصف و لقب امام مهدی انصراف دارد، مگر آنکه قرینه‌ای برخلاف آن وجود داشته باشد. حال، اگر کسی ادعای قائمیت کرد، باید اقامه دلیل کند (کامیاب، ۱۴۰۰، صص ۴۸-۸۰).

۲-۱-۳. ادعای باییت

واژه «باب» در زبان عربی، به معنی «مدخل‌البيت؛ در خانه» یا محل ورود به یک مکان است؛ اما در بحث مدعیان ارتباط و باییت امام، به «واسطه میان مردم و امام» اشاره دارد. «اسماعیلیه اولین گروهی بودند که از عنوان باب در فرهنگ خود بهره بردند. در این فرقه، باب به‌مثابه محرم و ملازم امام معرفی شد (دفتری، ۱۳۸۳، ص ۱۵۰). بعد از آن، فرقه نصیری به برای هر کدام از ائمه معصوم علیهم السلام یک باب قائل بودند. محمد بن نصیر نمیری سرکرده این فرقه بعد از شهادت امام عسکری علیه السلام خود را باب امام معرفی کرد (اشعری قمی، ۱۳۸۷، ص ۲۳۵).

در دوران معاصر، مکتب شیخیه اصطلاح «رکن رابع» را به‌وسیله شیخ احمد احسائی مطرح کرد که بر اساس آن، در دوران غیبت، وجود فردی به‌مثابه واسطه فیض میان امام و امت در کانون اندیشه شیعی جای گرفت (کاشانی، ۱۳۲۸، ص ۹۹). هرچند در این نظریه، واژه «باب» به‌صراحت به کار نرفته بود، در جوهر خود، همان مفهوم باییت را نهفته داشت. سرانجام بر اساس این اندیشه، علی محمد شیرازی با الهام از آموزه‌های شیخیه، خود را «باب امام زمان علیه السلام» نامید و به‌صورت رسمی، فرقه باییه را بنیان نهاد.

وجود منصب باییت در دوران ائمه و غیبت صغری همواره مورد بحث و نظر بوده است. برخی با نقل گزارش‌هایی معتقدند هر کدام از ائمه افرادی را به‌مثابه باب معرفی کرده‌اند (سلیمانی، ۱۳۸۶) و برخی دیگر با نقل شواهد تاریخی و کلامی، این نظریه را مردود دانسته‌اند (صفری فروشانی، ۱۳۹۵، صص ۹۱ و ۱۲۳)؛ اما در دوران غیبت کبری، با توجه

به آخرین توقیع امام به علی بن محمد سمری، همگان اذعان و اعتقاد دارند که دیگر با شروع این دوران ارتباط خاص با امام زمان علیه السلام مسدود شده است (طوسی، ۱۴۲۵ق، ص ۳۹۵) و به جای آن، رجوع به علما سفارش شده است (طوسی، ۱۴۲۵ق، ص ۳۹۵).

۲-۱-۴. تطبیق نشانه‌ها

تطبیق به معنای دربرگرفتن و پوشاندن چیزی است. مقصود از تطبیق گرای، همپوشانی روایات علائم ظهور بر مصادیق خارجی یا عدم انطباق آن است (مهدیان‌فر، ۱۳۹۴، ص ۲۳). با توجه به وجود روایات در متون فریقین درباره نشانه‌های ظهور، برخی با سوءاستفاده از این مسئله جذاب، درصدد تطبیق این نشانه‌ها برآمدند.

در سده‌های نخست حکومت عباسیان، آنها از روایاتی که به قیام امام مهدی علیه السلام بشارت می‌داد، سوءاستفاده کردند. برخی از این احادیث، ظهور پرچم‌های سیاه را از نشانه‌های فرج می‌دانستند و خراسان را نقطه آغازین قیام سپاهیان با این نشان معرفی می‌کردند. هواداران بنی عباس در خراسان تحت «پرچم سیاه رنگ» ابومسلم گرد آمدند و به سیاه‌جامگان شهرت یافتند. با توجه به نسبت خانوادگی رهبران این قیام با پیامبر صلی الله علیه و آله، زمینه برای تطبیق این احادیث بر جنبش عباسیان به آسانی فراهم شد (عرفان، ۱۳۹۵، ص ۵۶). در دوران معاصر جریان تطبیق در دو قالب نمایان است:

۲-۱-۴-۱. تطبیق بر افراد

مقصود این است که برخی افراد، با تعیین کردن مصداق‌هایی به مثابه نشانه‌های ظهور، شخصیت‌های معاصر را - بدون اینکه خود آن افراد چنین باوری داشته باشند - بر این علائم منطبق می‌کنند؛ برای مثال در مستندی که سال ۱۳۸۹ تولید شد، این تلقی به مخاطبان منتقل شد که رهبر انقلاب اسلامی ایران، همان «سید خراسانی» مورد اشاره روایات مهدوی است. همچنین رئیس‌جمهور پیشین کشور را به «شعیب بن صالح» منسوب کردند (سیجانی، ۱۳۸۹).

۲-۱-۴-۲. مصداق نشانه

مراد از مصداق نشانه‌ها آن است که افرادی خود را به مثابه مصداق یکی از نشانه‌ها

معرفی می‌کنند؛ برای نمونه طبق برخی روایات، قیام یمانی از نشانه‌های حتمی ظهور است که توسط فردی از یمن رخ خواهد داد (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۳۲۸). احمد اسماعیل بصری میان مدعیان امروزی، یکی از آن افرادی است که خود را یمانی معرفی کرده است. وی در این زمینه می‌گوید:

به خدا سوگند، رسول الله و پدرانم ائمه اطهار هیچ چیز از امرم را فروگذار نکرده‌اند جز اینکه با دقت مرا وصف کرده‌اند و نام و مسکنم را بیان کرده‌اند و هیچ چیز از امرم را مخفی نکرده‌اند و بعد از این همه بیانات، هیچ شبهه‌ای در من نیست که امر من از خورشید روز آشکارتر است و من اول مهدیین و یمانی موعود هستم (بصری، ۱۴۳۱ق، ج ۱-۳، ص ۳۶۷؛ منصوری، ۱۴۳۱ق، ص ۸).

نمونه دیگر در مستند روزنه انحراف، ادعای سید حسنی کرده است. وی می‌گوید: «این جانب سیدی از آل امام حسن مجتبی (مفتخر به عرایضی از طرف سیدنا و امامنا حجت بن الحسن هستم...» (کریمی، بی‌تا).

این نوع تطبیق‌ها اساساً با روح روایات کلی مهدویت در تعارض است و نمی‌توان بدان‌ها اعتماد کرد. در بحث تطبیق چند اصل را باید دقت کرد:

۱. تطبیق باید قطعی و یقینی باشد. از آنجاکه روایات نشانه‌ها و تطبیق آنها تأثیر فزاینده‌ای در جامعه دارد، باید از روی قطع و یقین باشد.

۲. در تطبیق باید معیارهای روایات نشانه‌ها مورد توجه باشد و انتخاب گزینشی روایات تطبیق را ناکارآمد می‌کند. اگر فرض کنیم در روایات معتبر سفیانی چنین توصیف شده باشد که او شخصیتی مذموم است، از سرزمین شام قیام می‌کند، قیام او در ماه رجب آغاز می‌شود، هم‌زمان با قیام او، یمانی و خراسانی خروج می‌کنند و... یکی از شرایط حصول یقین به سفیانی بودن یک شخص خاص این خواهد بود که همه این ویژگی‌ها در او جمع شده باشد.

۳. پرهیز از برداشت‌های تأویل‌گرایی در تطبیق؛ بدین معنا که روایات موجود در منابع حدیثی بدون قرینه برخلاف ظاهر آن تفسیر نکنیم؛ برای نمونه در جریان مدعی دروغین یمانی با استناد به روایتی، وصف «الطویلة شعورهم» به معنای موی بلند به شعور بالا و «أصحاب

السبال» به معنای صاحب سیل، و شارب به نطق مستحکم تأویل شده است (کامیاب، ۱۴۰۰، ص ۱۷۸) که این تأویل بی‌ضابطه و ذوقی، خلاف برداشت روایت است.

۲-۱-۵. ملاقات و تشرفات پیاپی

ملاقات، نوعی گفت‌وگو و شناخت است (دهخدا، ۱۳۷۷، واژه ملاقات)؛ اما در عرف، ملاقات با امام زمان علیه السلام مفهومی فراتر از یک دیدار عادی دارد و به معنای درک حضور، گفت‌وگوی مستقیم و شرف‌یابی به محضر حضرت مهدی علیه السلام در حالت بیداری است؛ برای نمونه حسن ابطحی مدعی بود که تاکنون سه بار با امام عصر علیه السلام ملاقات کرده و با ایشان گفت‌وگوهایی داشته است. وی این مواجهات را سبب عنایات ویژه‌ای می‌داند که او را به مقامات بالای معنوی رسانده است (جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۲۹ق، ص ۱۶۹). «محمود عرفانیان»^۱ با برگزاری جلسات تشریف، افرادی را جذب کرده و به پرسش‌ها و مشکلات آنان از طریق ملاقات با امام عصر علیه السلام پاسخ داده است (دادستانی ویژه روحانیت، بی‌تا، پرونده محمود عرفانیان). نمونه دیگر، آقای کاظمینی بروجردی است که در سخنان خود، به بحث تشریف و ملاقات با امام زمان علیه السلام اشاره دارد (دادستانی ویژه روحانیت، بی‌تا، اعترافات کاظمینی بروجردی).

در بررسی مسئله ملاقات با حضرت مهدی علیه السلام در دوران غیبت، باید میان انواع مختلف دیدار تفکیک قائل شد. گاهی ممکن است ادعا شود دیدار با حضرت همراه با شناخت هویت ایشان در لحظه ملاقات شکل گرفته است که این نوع ملاقات، بسیار نادر و استثنایی است. کثرت چنین رویدادهایی با فلسفه غیبت که مبتنی بر پنهان‌زیستی امام است، منافات دارد. بنابراین این گونه موارد جز در شرایط ویژه و برای افراد خاص رخ نمی‌دهد. گاهی هم دیدار بدون شناخت در لحظه ملاقات رخ می‌دهد. در این حالت، شخص، امام را ملاقات می‌کند؛ اما در آن لحظه، از هویت واقعی ایشان غافل است و حضرت را فردی عادی می‌پندارد. به‌طور معمول، در این نوع تشرفات، امام علیه السلام خود را

۱. م. ع. متولد مشهد است که به اتفاق خانواده به تهران آمده است و در اواخر دهه هفتاد کار خود را در قالب کلاس‌های قرآن و نهج‌البلاغه آغاز، و کم‌کم درباره مهدویت، ادعاهای خود را مطرح کرد.

آشکار نمی‌کنند و با تصرفات غیبی، مانع از شناخته‌شدن می‌شوند و فرد پس از پایان ملاقات، به دلیل مشاهده کرامات، معجزات، یا نشانه‌های دیگر، پی به حضور امام می‌برد و یقین حاصل می‌کند که آن شخص، حضرت مهدی علیه السلام بوده است. در منابع معتبر روایی شیعه، به امکان وقوع این گونه ملاقات‌ها البته با شرایطی ویژه اشاره شده است؛ برای نمونه در کتاب کافی، روایاتی وجود دارد که بیانگر این امر در عصر غیبت است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۴۰). همچنین از میان عالمان معاصر، آیت‌الله صافی گلپایگانی به موارد عینی وقوع چنین دیدارهایی اشاره کرده است (صافی گلپایگانی، بی‌تا، ص ۵۲۰).

با این حال، در عصر غیبت کبری، اصل اولیه بر عدم امکان دسترسی عمومی و ملاقات عادی با حضرت ولی عصر علیه السلام استوار است و هر ادعایی خلاف این اصل، به ارائه مدارک معتبر و ادله‌ای محکم نیازمند است؛ از این رو نمی‌توان به صرف ادعاهای افراد عادی و غیرموثق در این زمینه اعتماد کرد، مگر آنکه راوی وثاقت کامل داشته باشد و شواهد قطعی و غیرقابل تردیدی ارائه دهد. گفتنی است که گزارش‌های معتبر از چنین ملاقات‌هایی به جهت قاعده «کتمان» و پرهیز عارفان راستین از افشای اسرار، بسیار نادر و محدود هستند (صمدی، ۱۳۸۶، ص ۱۹۰).

۲-۱-۶. توقیت و نزدیکی ظهور

مسئله «توقیت» و تعیین زمان ظهور، از جمله مباحثی است که همواره زمینه‌ساز ادعاهای بی‌اساس بوده است. با وجود تأکیدات مکرر ائمه اطهار علیهم السلام و علمای امامیه بر حرمت تعیین وقت ظهور و تکذیب مدعیان آن (موقتین) (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۶۸)، در طول تاریخ، افراد مختلفی با انگیزه‌های گوناگون به این اقدام مبادرت ورزیده‌اند. سید کاظم رشتی (در گذشته ۱۲۵۹ق) از پیشگامان این جریان بود که با ادعای نزدیکی ظهور، سبب انشعابات پرشماری در مکتب شیخیه شد (باقری، ۱۳۹۱، ص ۱۱۱).

در دوران معاصر و پس از انقلاب اسلامی، برخی عالمان دینی مانند شیخ محمد شریف راضی (در گذشته ۱۳۷۹) و سید محمدحسن میرجهانی (در گذشته ۱۴۰۱ق) در آثار خود به مسئله نزدیکی ظهور اشاره کرده‌اند (رنجبر حیدرباغی، ۱۳۹۲، صص ۳۸-۳۹).

همچنین تولید مستند «ظهور بسیار نزدیک است» (۱۳۸۹) توسط گروه «مبشران ظهور»، نمونه‌ای از تداوم ادعاهای فاقد پشتوانه معتبر در زمینه تعیین زمان ظهور به شمار می‌رود. در سیره شخصی علما، تعیین وقت برای ظهور جایگاهی نداشته است. شیخ صدوق در پاسخ به پرسش رکن الدوله دیلمی درباره زمان ظهور تأکید کرد: «خداوند به حکمت و مصلحتی امام را غایب کرده و هیچ کس جز خداوند زمان ظهور را نمی‌داند» (صدوق، ۱۴۰۳ق، ص ۲۷). شیخ طوسی در این باره می‌فرماید: «وقت خروج حضرت مهدی به‌طور مشخص و به‌صورت تفصیلی، برای ما مشخص نمی‌باشد و امام از ما غایب است تا زمانی که خداوند به ایشان اجازه فرج بدهد» (طوسی، ۱۴۲۵ق، ص ۴۲۵). بدین ترتیب اگر در برهه‌ای افرادی برای زمان ظهور وقتی تعیین کنند، مخالف با روایات است و درنهایت، برای خود آنان می‌تواند حجت باشد. البته برخی سخنان درباره زمان ظهور حضرت از جانب بزرگان فقط می‌تواند در قالب بشارت تحلیل شود و اعتبار علمی ندارد.

۲-۲. گونه‌شناسی بر اساس دامنه نفوذ

درباره تقسیم‌بندی مدعیان از لحاظ دامنه نفوذ، اطلاع دقیقی در دسترس نیست؛ اما می‌توان با معیارهایی مانند تعداد پیروان، گستره جغرافیایی، مدت فعالیت، سطح سازمان‌یافتگی، حمایت و عدم حمایت بیگانگان به سه دسته تقسیم کرد:

۲-۲-۱. محلی و محدود

این طیف عموماً بر پایه ادعاهای فردی، و بدون ساختاری نظام‌مند به فعالیت می‌پردازند. حوزه نفوذ آنان نیز به‌طور عمده، به مناطق خاصی محدود می‌شود؛ برای مثال جریان موسوم به «کازمینی بروجردی» با ایجاد شبکه‌ای با عنوان ارتباط با معصومین، قرآن‌درمانی و عریضه‌نویسی توانست در تهران جمعی از متدینان را به‌سوی خود جلب کند (دادستانی ویژه روحانیت، بی‌تا، پرونده کازمینی بروجردی). همچنین جریان «شهره حضرتی» با ترفند ملاقات روزانه با امام و نقل سخنان ایشان، شمار دیگری از دین‌داران

را فریفت. او ابتدا در پایتخت، و سپس در نواحی شمالی کشور به تبلیغ پرداخت (دادستانی ویژه روحانیت، بی‌تا، پرونده اعترافات شهره حضرتی). بنا بر اسناد، پیروان این دو جریان در دامنه‌ای میان پنجاه تا یک‌هزار تن در نوسان بوده‌اند که پس از افشای ادعاهای واهی سرکردگان، همگی از ایشان بیزاری جسته‌اند (دادستانی ویژه روحانیت، بی‌تا، پرونده متهمان ذکرشده).

۲-۲-۲. منطقه‌ای

در میان مدعیان و داعیان، جماعتی خاص به چشم می‌خورند که دعاوی خویش را نه در گستره‌ای وسیع بلکه در قلمرویی محدود و معین - چه از منظر جغرافیایی و چه از جنبه قومیتی و ملی - به پیش می‌برند. این گروه برخلاف دیگران که در پی جذب حداکثری هستند، به‌طور عمده بر نواحی و جمعیت‌های خاصی تمرکز کرده‌اند. نمونه بارز این جریان، شخصی موسوم به «علی یعقوبی» است که با انتخاب‌گری دقیق، پهنه فعالیت خویش را به بخش‌هایی از کلان‌شهرهای تهران، اصفهان، مشهد و معدودی از استان‌های دیگر محدود کرده است. وی با شناختی که از بافت اجتماعی و فرهنگی این مناطق دارد، تبلیغات خود را در این عرصه‌های از پیش تعیین شده متمرکز کرده و به جذب پیروان همت گماشته است (دادستانی ویژه روحانیت، بی‌تا، پرونده علی یعقوبی). این شیوه عمل که مبتنی بر محدودنگری جغرافیایی و جمعیتی است، از سویی، نشان‌دهنده هوشمندی مدعی در شناسایی مناطق مستعد برای پذیرش ادعاهایش است و از سوی دیگر، حاکی از آن است که وی به‌جای گسترش افقی فعالیت‌ها، به تعمیق نفوذ در مناطق هدف نظر داشته است. چنین رویکردی، اگرچه دامنه نفوذ را محدود می‌سازد، در عین حال امکان کنترل بیشتر بر پیروان، و تثبیت جایگاه رهبری خود را فراهم می‌کند.

۲-۲-۳. فرا منطقه‌ای

دسته دیگر، مدعیانی هستند که ادعای خود را نه در محدوده‌ای منطقه‌ای بلکه در

سطحی جهانی و با پشتوانه‌ای تشکیلاتی طرح کرده‌اند. این دسته برخلاف مدعیان محلی یا منطقه‌ای، از همان ابتدا یا در گذر زمان، به دنبال ایجاد شبکه‌ای منسجم و فراگیر در گستره‌ای بین‌المللی بوده‌اند. در ایران معاصر، بابت و سپس بهائیت را می‌توان مصداق بارز این گونه دانست. این فرقه که در ابتدا با ادعاهایی محدود و در چارچوبی منطقه‌ای ظهور کرد، به تدریج و با حمایت قدرت‌های استعماری زمان، به حرکتی جهانی تبدیل شد. تشکیلات منظم، شبکه‌ای از مبلغان آموزش دیده، و نهادهای سازی آموزه‌ها در قالب سازمان بین‌المللی، از ویژگی‌های شاخص این جریان است که آن را از دیگر مدعیان متمایز می‌کند.

میزان خطرناک بودن هر مدعی رابطه مستقیمی با سطح نفوذ و سازمان‌یافتگی آن دارد. تجربه نشان داده که مدعیان محلی به‌طور معمول، به سرعت افشا می‌شوند؛ درحالی که گروه‌های سازمان‌یافته با حمایت خارجی می‌توانند برای دهه‌ها فعال باقی بمانند، و تهدیدی جدی برای باورهای دینی جامعه باشند.

۲-۳. گونه‌شناسی به لحاظ سرانجام ادعا

مدعیان دروغین مهدویت را می‌توان با توجه به نتایج و پیامدهای ادعایشان، به چند دسته متمایز دسته‌بندی کرد:

۲-۳-۱. مؤسسان فرقه‌های انحرافی

شاخص‌ترین گروه در این میان، کسانی هستند که ادعایشان به تأسیس فرقه‌های سازمان‌یافته منجر شده است. نمونه‌های تاریخی بارز این دسته، شیخ احمد احسائی و علی محمد شیرازی (باب) هستند که به ترتیب سبب ظهور جریان‌های انحرافی شیخیه، بابیه و درنهایت، بهائیت شدند (نجفی، ۱۳۸۳، ص ۸۸ به بعد). نکته قابل تأمل در این موارد، آن است که بسیاری از این ادعاها در ابتدای ظهور، از چنان قدرتی برخوردار نبوده‌اند؛ اما به دلیل عدم برخورد مناسب و به موقع، مجال رشد و گسترش یافته‌اند.

۲-۳-۲. ایجادکنندگان جنبش‌های مردمی

دسته دوم شامل مدعیانی است که سبب شکل‌گیری نهضت‌های محلی موقتی شده‌اند؛ برای نمونه می‌توان به جنبش موسوم به «طلوعیان» در سال ۱۳۳۰ شمسی اشاره کرد که توسط جیکاک و آقارضا بابایی در مناطق نفت‌خیز خوزستان به راه افتاد. این حرکت با پیش‌بینی ظهور قریب‌الوقوع امام زمان (عج)، به تشکیل دسته‌جات و ساخت عَلم و پرچم‌های ویژه اقدام کرد. این جنبش که سبب آسیب به روستاییان و حتی وقوع قتل‌هایی شد، سرانجام پس از حدود یک سال از میان رفت (خلج و روشنگر، ۱۳۹۳، ص ۱۵۳).

۲-۳-۳. مدعیان کم‌اثر

گروه سوم که بیشترین تعداد مدعیان را شامل می‌شود، کسانی هستند که ادعایشان تأثیر محدودی داشته است و تنها توانسته‌اند در بازه زمانی کوتاهی، جمعی از افراد ساده‌لوح را گرد خود جمع کنند. از زمان پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون، شاهد تکرار چنین مواردی بوده‌ایم که برخی با تذکر و ارشاد از ادعاهای خود دست برداشته‌اند و برخی دیگر که اصرار بیشتری داشته‌اند، با مداخله قضایی مواجه شده‌اند. نمونه‌هایی مانند «حسن ابطحی» و «کاظمینی بروجردی» از این جمله‌اند که نه توانسته‌اند فرقه‌ای تشکیل دهند و نه جنبش قابل توجهی ایجاد کنند (نک: دادستانی ویژه روحانیت، بی‌تا، پرونده نام‌بردگان).

۲-۴. گونه‌شناسی به تناسب جامعه هدف

مدعیان دروغین به تناسب اهداف خود، جامعه هدف و مخاطب خود را انتخاب، و بر اساس آن، تعالیم فرقه‌ای خود را القا می‌کنند. اگر بخواهیم نوعی دسته‌بندی اجتماعی از نظر هدف داشته باشیم می‌توان به دو دسته «نخبه‌گرا» و «عام‌گرا» اشاره کرد.

۲-۴-۱. نخبه‌گرا

مدعیان برای افزایش تأثیرگذاری و گسترش تبلیغات خود، به‌طور عمده به دنبال

جذب افراد نخبه یا صاحب نفوذ هستند تا از طریق آنها بتوانند تشکیلاتی منسجم و قدرتمند ایجاد کنند. این روش از دوران علی محمد باب در تاریخ معاصر ایران آغاز شد. در جریان ادعای باب، بسیاری از کسانی که به این فرقه پیوستند، عالمان شیخی مذهب بودند که آشنایی عمیقی با مفاهیم دینی داشتند؛ برای نمونه سید یحیی دارابی (فرزند سید جعفر دارابی، ملقب به کشفی) در جوانی به تحصیل علوم دینی پرداخت و به عالمی فصیح و توانا در خطابه شناخته می‌شد. پس از آگاهی از ادعای باب، به آیین بابی گروید و در سال ۱۲۶۰ قمری به شیراز سفر کرد تا با باب دیدار کند. او حتی در سرمای شدید زمستان به ماکو رفت تا باب را در زندان ملاقات کند و پس از آن، در شهرهای مختلفی مانند تهران، قزوین، قم، کاشان، اصفهان، اردستان و یزد به صورت آشکار، در مساجد و منابر به تبلیغ آیین جدید پرداخت. سرانجام در سال ۱۲۶۶ قمری در جریان شورش در نیریز کشته شد (مرسل‌وند، ۱۳۸۸، ص ۲۴۸).

نمونه امروزی این رویکرد، جریان «یمانی» است. این جریان پس از شکست نظامی در عراق، با استناد به برخی روایات درباره نقش ایرانیان در قیام امام مهدی علیه السلام، فعالیت خود را بر جذب طلاب و روحانیان متمرکز کرده است. دلیل این انتخاب، تأثیرگذاری بالای این قشر در جامعه است؛ زیرا اگر طلاب و روحانیان به این جریان پیوندند، تبلیغات آنها به صورت خودجوش، در میان مردم گسترش می‌یابد. بر اساس گزارش منابع اطلاعاتی، این جریان در شهرهای قم و مشهد (به مثابه مراکز اصلی حوزه‌های علمیه) فعالانه در حال تبلیغ است و تا حدی در جذب طلاب موفق بوده‌اند (اداره اطلاعات قم، ۱۳۹۴ «ب»، ص ۲۳).

بدیهی است که سرمایه‌گذاری این جریان‌ها بر نیروهای جوان و نخبه، به دلیل انرژی و توان بالای این قشر و همچنین اعتماد عمومی به آنها، تهدیدی جدی است.

۲-۴-۲. عام‌گرا

برخی مدعیان که فاقد تفکر تشکیلاتی هستند، به طور معمول به سراغ نخبگان نمی‌روند؛ زیرا احتمال مواجهه با واکنش سریع و پرسش‌های انتقادی از سوی آنها

وجود دارد. بنابراین ترجیح می‌دهند مخاطبان خود را از میان عوام انتخاب کنند تا با در دسر کم‌تری بتوانند از آنها سوءاستفاده کنند.

نمونه‌های پرشماری از این رویکرد در فرقه‌های انحرافی دیده می‌شود؛ برای مثال «کاظمینی بروجردی» (مدعی ارتباط و ملاقات با معصومین) پیروانی به‌طور عمده، از میان مردم عادی داشت (دادستانی ویژه روحانیت، بی‌تا، پرونده کاظمینی بروجردی).

۲-۵. گونه‌شناسی مدعیان به لحاظ تشکیلات

مدعیان از حیث سنخ کار و چشم انداز آینده فرقه‌ای خود می‌توانند به دو دسته «سازمان‌یافته» و «غیرسازمان‌یافته» تقسیم شوند:

۲-۵-۱. سازمان‌یافته

مدعیان سازمان‌یافته کسانی هستند که با جذب پیروان گسترده، ایجاد تشکیلات منسجم و استفاده از امکانات مادی و معنوی توانسته‌اند بخشی از اهداف خود را محقق کنند. این گروه‌ها به‌طور معمول، در نقاط مختلف کشور - و حتی خارج از آن - فعالیت دارند و دارای شاخه‌های پرشمار هستند.

نمونه تاریخی این جریان، بهائیت است. در دوران معاصر نیز جریان احمد اسماعیل بصری (یمانی) نمونه بارزی از فعالیت سازمان‌یافته است. این جریان با راه‌اندازی دفاتر پرشمار، برگزاری جلسات منظم، چاپ ده‌ها جلد کتاب و راه‌اندازی سایت‌های مختلف (مانند «المهدیون») و اعزام مبلغ به سراسر کشور، تشکیلاتی گسترده دارد (اداره اطلاعات قم، ۱۳۹۴ «الف»، ص ۴۵).

۲-۵-۲. غیرسازمان‌یافته

مدعیان غیرسازمان‌یافته به‌طور معمول، افرادی هستند که به‌صورت پراکنده، در مناطق مختلف ظهور می‌کنند و تعدادی مرید جذب می‌کنند؛ اما پس از مدتی، یا دستگیر می‌شوند یا از ادعای خود بازمی‌گردند. ویژگی اصلی این مدعیان، تناقض‌گویی

و عدم ثبات در باورهایشان است. جریان شهره حضرتی و کاظمینی بروجردی مدعیان ارتباط و ملاقات با امام زمان (عج)، از این نوع هستند (نک: دادستانی ویژه روحانیت، بی تا، پرونده نام بردگان).

۲-۶. گونه شناسی به لحاظ ترفندهای جذب

مدعیان دروغین با شناخت دقیق مخاطبان خود و با تحریف حقایق و سوءاستفاده از ضعف‌ها و خلأهای مادی و معنوی افراد تلاش می‌کنند گروهی را به مثابه مرید گرد خود جمع کنند. برای موفقیت در این مسیر، از شیوه‌های خاصی استفاده می‌کنند که در قالب ترفندهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و روان‌شناختی قابل دسته‌بندی است.

۲-۶-۱. ترفند معرفتی

معرفت در اینجا به معنای علم و آگاهی است که مدعیان دروغین از آن سوءاستفاده می‌کنند. برخی جریان‌ها مانند مدعی یمانی، بدون پابندی به اصول تفسیر، روایات را به دلخواه تأویل می‌کنند؛ برای نمونه عبارت «خاملاً أصله» (فردی با اصل و نسب گمنام) را بر احمد اسماعیل بصری تطبیق داده‌اند، و استدلال کرده‌اند که چون نسب امام مهدی (عج) روشن است و ایشان فرزند امام عسکری (عج) هستند، قائم باید فرد دیگری باشد که نسب او نامعلوم باشد، و او را همان احمد اسماعیل بصری دانسته‌اند (انصاری، بی تا، ص ۱۱۲)؛ درحالی که این برداشت نادرست است و خاملاً أصله کسی را گویند که اصل و نسبی گمنام و ناشناخته دارد (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۴، ص ۲۷۳) که بیانگر یک واقعیت همیشگی بر فرد است، نه اینکه تا مدتی اصل و نسب ندارد و بعداً نسب او مانند احمد اسماعیل آشکار شود. مدل دیگر تقطیع روایات است؛ برای نمونه در روایتی به اوصاف احمد اسماعیل بدین گونه اشاره کرده‌اند: «لَوْثُهُ لَوْنٌ عَرَبِيٌّ وَ جِسْمُهُ جِسْمٌ إِسْرَائِيلِيٌّ؛ رنگ بدن او رنگ نژاد عرب، و اندامش مانند اندام بنی اسرائیل است»؛ این در حالی است که اصل روایت این گونه است:

الْمُهْدِي رَجُلٌ مِنْ وَلَدِي لَوْثُهُ لَوْنٌ عَرَبِيٌّ وَ جِسْمُهُ جِسْمٌ إِسْرَائِيلِيٌّ عَلَى حَدِّهِ

الْأَيْمَنُ خَالٌ كَأَنَّهُ كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ؛ مهدی مردی از اولاد من است. رنگ بدن او رنگ نژاد عرب، و اندامش مانند اندام بنی اسرائیل است. در گونه راست وی خالی است که چون ستاره تابناکی بدرخشد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۱، ص ۸۰). عبارت «عَلَى خَدِّهِ الْإَيْمَنُ خَالٌ كَأَنَّهُ كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ» در این روایت تقطیع شده است. علت این امر آن است که این جریان در مستندات دیگر خود، خال بر گونه راست را از اوصاف امام مهدی علیه السلام می داند و برای اینکه بین ادله خود تعارض ایجاد نشود، بخشی از روایت را تقطیع کرده اند (منصوری، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۱۲۰).

۲-۶-۲. ترفند اجتماعی

در شرایط کنونی که جامعه با چالش های پرشماری روبه روست، برخی مدعیان با ظرافت خاصی خود را به اقشار مختلف مردم نزدیک می کنند و از این راه، اهداف فرقه ای خود را پیش می برند؛ برای نمونه فردی با نام مستعار «خ-م» فعالیت خود را با ادعای درمان گری آغاز کرد و به تدریج ادعای نمایندگی امام معصوم را مطرح نمود. وی برای پیشبرد مقاصد خود، حتی با فردی که ادعای ارتباط با اجنه را داشت، همکاری نزدیک داشت و از نظرات او بهره می برد (جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۲۹ق، ص ۱۶۲).

۲-۶-۳. ترفند سیاسی

مدعیان با شناخت روحیه ها و گرایش های سیاسی مخاطبان، از تاکتیک های مختلفی استفاده می کنند. برخی با تظاهر به مخالفت با نظام سیاسی، گروهی از ناراضیان را جذب می کنند؛ درحالی که برخی دیگر با وانمود کردن حمایت از انقلاب و نظام، به دنبال جلب اعتماد مردم و ایجاد مصونیت برای خود هستند؛ برای مثال علی یعقوبی در سخنرانی های خود با بیان جملات اغراق آمیز درباره انقلاب اسلامی تلاش می کرد خود را به مثابه مدافع انقلاب معرفی کند: «من در حد توان خود در خدمت انقلاب هستم [...] تمام حوادثی مانند غائله کوی دانشگاه یا تهدیدهای آمریکا علیه ایران، به انقلاب مرتبط است [...] اگر ادعایی دارم، در عمل، آن را با دفاع از انقلاب ثابت کرده ام» (حجایی، بی تا،

ص ۶۱). هرچند این ترفندها در ابتدا ممکن است تأثیرگذار باشند، هوشیاری نهادهای امنیتی مانع از موفقیت این افراد شده است.

۲-۶-۴. ترفند روان‌شناختی

یکی از مؤثرترین روش‌های مدعیان، استفاده از تکنیک‌های روان‌شناختی برای تسخیر ذهن پیروان است. ایجاد شخصیت‌سازی کاذب، از جمله این روش‌هاست. نمونه بارز آن، فردی با نام مستعار «حسن ابطحی» است که در کتاب پرواز روح به مثابه شخصیتی ویژه معرفی شده بود؛ اما او پس از دستگیری اعتراف کرد که محتوای کتاب‌هایش واقعی نبوده و فقط برای جلب توجه، شخصیتی دروغین برای خود ساخته است: «هرکسی دوست دارد شخصیت مهمی داشته باشد. من نمی‌توانستم از راه درست به این جایگاه برسم، بنابراین از جوانی یک شخصیت ساختگی برای خودم ایجاد کردم» (دادستانی ویژه روحانیت، بی‌تا، پرونده حسن ابطحی).

این نمونه‌ها نشان می‌دهد که مدعیان دروغین چگونه از ضعف‌های فردی و اجتماعی سوءاستفاده می‌کنند. شناخت این ترفندها می‌تواند مردم را در برابر این گونه فریب‌کاری‌ها مصون نگه دارد.

نتیجه‌گیری

بر پایه پژوهش‌های انجام‌شده، مهم‌ترین گونه‌های ادعا در پدیده مدعیان دروغین مهدویت شناسایی شد. در نخستین سطح تحلیل، ماهیت ادعاها مورد بررسی قرار گرفت که طیفی گسترده از باورها را در بر می‌گیرد. این طیف از ادعای صریح مهدویت و قائمیت آغاز می‌شود و به مواردی همچون ادعای بابت، تطبیق نشانه‌های ظهور، ادعای ملاقات با امام عصر علیه السلام، تعیین وقت ظهور و اظهار نزدیکی به آستانه ظهور گسترش می‌یابد.

از دیدگاه گستره نفوذ جغرافیایی و جمعیتی، این جریان‌ها به دو دسته اصلی تقسیم می‌شوند: از یک سو، گروه‌های محلی گرا با دایره تأثیر محدود به جغرافیایی خاص، و از

دیگر سو، جریان‌های فرامنطقه‌ای با آرمان‌های جهان‌شمول که با شبکه‌ای گسترده از ابزارهای تبلیغاتی به میدان آمده‌اند.

در بررسی جامعه هدف، این مدعیان به دو شیوه تک‌بعدی نخبه‌گرا، و عمومی عمل می‌کنند که بیانگر راهبردهای متفاوت آنان در جذب پیروان است. تحلیل سرانجام ادعا نشان می‌دهد که برخی به تشکیل فرقه‌های پایدار، برخی به جنبش‌های مردمی کوتاه‌مدت، و تعدادی نیز به حرکت‌های کم‌تأثیر و حاشیه‌ای انجامیده‌اند؛ اما از منظر سازمان‌یافتگی، شاهد دو گونه متفاوت هستیم: جریان‌های دارای تشکیلات منظم با سلسله‌مراتب قدرت مشخص، و گروه‌های شخص‌محور فاقد ساختار سازمانی منسجم. درنهایت روش و ترفند جذب پیروان در چهار حیطه معرفتی، سیاسی، اجتماعی و روان‌شناختی بررسی شد.

این گونه‌شناسی چندبعدی می‌تواند ابزاری ارزشمند برای پژوهشگران فراهم آورد و مبنایی برای سیاست‌گذاری‌های آگاهانه در مواجهه با این پدیده باشد، به‌ویژه شناخت تعامل این ابعاد گوناگون، امکان پیش‌بینی تحولات آتی این جریان‌ها را افزایش می‌دهد.

فهرست منابع

- آیتی، عبدالحسین. (۱۳۴۰). کشف الحیل. تهران: بی‌نا.
- آیتی، نصرت‌الله. (۱۳۹۴). از تبار دجال. قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی صلی الله علیه و آله.
- ابن خلدون، عبدالرحمن. (۱۴۰۸ق). تاریخ ابن خلدون (محقق: خلیل شحاده، چاپ دوم). بیروت: دارالفکر.
- ابوالفرج اصفهانی، علی بن الحسین. (۱۹۸۷). مقاتل الطالبین (شارح و محقق: سید احمد صقر، چاپ دوم). بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
- اداره اطلاعات قم. (۱۳۹۴ «الف»). بررسی جریان یمانی، سراب ۱. قم: قابل دسترس در: (آرشیو مرکز تخصصی مهدویت).
- اداره اطلاعات قم. (۱۳۹۴ «ب»). بررسی جریان یمانی، سراب ۲. قم: قابل دسترس در: (آرشیو مرکز تخصصی مهدویت).
- اسفندیاری، محمودرضا. (۱۳۸۹). عرفان و سیاست در اندیشه سید محمد نوربخش، نامه الهیات، ۵(۱۰)، صص ۵-۱۴.
- اشعری قمی، سعد بن عبدالله. (۱۳۸۷). المقالات و الفرق (مترجم: محمدجواد مشکور). تهران: آشیانه کتاب.
- اعضادالسلطنه، علیقلی فتحلی. (۱۳۷۷). فتنه باب (مصحح: عبدالحسین نوایی). تهران: نشر علم.
- انصاری، ابو محمد. (بی‌تا). جامع الادله. بی‌جا: انتشارات انصار الامام مهدی.
- باقری، علی اکبر. (۱۳۹۱). جستاری در نقد بابت با تأکید بر نقد آموزه رکن رابع در اندیشه شیخیه. فصلنامه علمی - پژوهشی معرفت ادیان، ۳(۱۱)، صص ۸۷-۱۰۴.
- بصری، احمد بن اسماعیل. (۱۴۳۱ق). الجواب المنیر عبر الثیر (ج ۱، ۲ و ۳، چاپ دوم). بی‌جا: اصدارات انصار امام مهدی علیه السلام.
- پیغان، علیرضا. (بی‌تا). کتاب القائم. بی‌جا: بی‌نا.

- جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. (۱۴۲۹ق). قبیله حيله. بی‌جا: بی‌نا.
- جعفریان، رسول. (۱۳۹۳). مهدیان دروغین. تهران: نشر علم.
- جمعی از نویسندگان. (۱۳۸۸). کژراهه (چاپ اول). تهران: مؤسسه جام جم.
- حاج‌قلی، احمد؛ اسحاقیان، جواد؛ و حسیدری چراتی، حجت. (۱۳۹۵). فرقه‌های انحرافی: شیخیه، بابیه و بهائیت (چاپ دوم). قم: مرکز تخصصی مهدویت.
- حجایی، حسین. (بی‌تا). به‌سوی انحراف. بی‌جا: بی‌نا.
- دادستانی ویژه روحانیت. (بی‌تا). اعترافات حسن ابطحی. قم: قابل دسترس در: (آرشیو مرکز تخصصی مهدویت).
- دادستانی ویژه روحانیت. (بی‌تا). اعترافات کاظمینی بروجردی. قم: قابل دسترس در: (آرشیو مرکز تخصصی مهدویت).
- دادستانی ویژه روحانیت. (بی‌تا). اعترافات شهره حضرتی. قابل دسترس در: (آرشیو مرکز تخصصی مهدویت).
- دادستانی ویژه روحانیت. (بی‌تا). بازخوانی پرونده انحرافات محمود عرفانیان. قم: قابل دسترس در: (آرشیو مرکز تخصصی مهدویت)، شماره ۳.
- دادستانی ویژه روحانیت. (بی‌تا). بازخوانی پرونده انحرافات حسن ابطحی. قم: قابل دسترس در: (آرشیو مرکز تخصصی مهدویت).
- دادستانی ویژه روحانیت. (بی‌تا). بازخوانی پرونده انحرافات علی یعقوبی. قم: قابل دسترس در: (آرشیو مرکز تخصصی مهدویت).
- دفتری، فرهاد. (۱۳۸۳). تاریخ و عقائد اسماعیلیه (مترجم: فریدون بدره‌ای). تهران: فرزانه‌روز.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). لغت‌نامه دهخدا (زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی، چاپ دوم). تهران: روزنه.
- ذکاوتی، علیرضا. (۱۳۹۹). جنبش نقطویه (چاپ چهارم). بی‌جا: انتشارات ادیان و مذاهب.
- ذکاوتی، علیرضا؛ لاجوردی، فاطمه. (۱۳۹۱). مداخل حروفیه، دایره‌المعارف بزرگ اسلامی (زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، ج ۲۰). تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.

رحمتی، محمد کاظم. (۱۳۹۲). زیدیه در ایران (چاپ اول). تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.
رنجبر حیدر باغی، احمد. (۱۳۹۲). گزارشی از توقیت‌ها در گستره تاریخ. پژوهش‌های مهدوی،
۲(۵)، صص ۳۸-۳۹.

سلیمانی، جواد. (۱۳۸۶). رازداران حریم اهل‌بیت. قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.
سیجانی، علی اصغر. (کارگردان). (۱۳۸۹). مستند ظهور بسیار نزدیک است؛ مبشران ظهور. قم:
قابل دسترس در: (آرشیو مرکز تخصصی مهدویت).

شوشتری، قاضی نورالله. (۱۳۹۲). مجالس المؤمنین (مصححان: ابراهیم عرب‌پور، منصور ستایش،
محمد حسن خزاعی، محمد علی علی‌دوست، و محمدرضا محمدیان، ج ۵، چاپ اول). مشهد:
انتشارات آستان قدس رضوی.

شهبازیان، محمد. (۱۳۹۴). ره افسانه. قم: انتشارات مرکز تخصصی مهدویت
صافی گلپایگانی، لطف‌الله. (بی‌تا). منتخب‌الآثر. قم: انتشارات مؤسسه السیده المعصومه.
صداقت، محمدجواد. (۱۳۹۱). نگرش به مهدویت در عصر صفویان (سید حسین فلاح‌زاده).
پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام، دانشکده علوم سیاسی و اجتماعی.
صدوق، علی بن الحسین. (۱۳۹۵). کمال‌الدین و تمام النعمة (محقق: علی اکبر غفاری، ج ۱ و ۲،
چاپ دوم). تهران: انتشارات اسلامی.

صدوق، محمد بن علی. (۱۳۶۲). الخصال (محقق: علی اکبر غفاری، چاپ اول). قم: جامعه
مدرسین حوزه علمیه قم.

صدوق، محمد بن علی. (۱۴۰۳ق). معانی الاخبار. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
صفری فروشانی، نعمت‌الله. (۱۳۹۵). منصب‌باییت امامان در ترازوی نقد. شیعه‌پژوهی، ۲(۶)، صص
۹۱-۱۲۳.

صمدی، قنبرعلی. (۱۳۸۶). تأملی در باب ارتباط و ملاقات با امام زمان. مشرق موعود، ۱(۱)،
صص ۹-۳۶.

طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۲۵ق). الغیبة (محقق: عبادالله تهرانی و علی احمد ناصح، چاپ
اول). قم: دارالمعارف الإسلامية.

- عرفان، امیرمحسن. (۱۳۹۲). قبیله تزویر. قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود.
- عرفان، امیرمحسن. (۱۳۹۵). مواجهه ائمه با مدعیان دروغین مهدویت. قم: انتشارات مرکز تخصصی مهدویت.
- عرفان، امیرمحسن؛ صفری فروشانی، نعمت‌الله. (۱۳۹۳). گونه‌شناسی مدعیان دروغین مهدویت. مشرق موعود، ۸ (۳۰)، صص ۸۴-۱۰.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۹ق). العین (ج ۴). قم: نشر هجرت.
- قاضی، وداد. (۱۹۷۴م). الکیسانیه فی التاریخ و الادب. بیروت: بی‌نا.
- کاشانی، میرزاجانی. (۱۳۲۸). نقطه الکاف (به همت ادوارد براون). هلند: بریل.
- کامیاب، مسلم. (۱۴۰۰). بررسی ایده تعدد قائم در جریان مدعی یمانی. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- کریمی، سهیل. (کارگردان). (بی‌تا). مستند روزنه انحراف. قم: قابل دسترس در: (آرشیو مرکز تخصصی مهدویت)
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی (ج ۱۱). تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار (ج ۵۱). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- محمداف، قدیر. (۱۳۹۰). مقایسه تطبیقی اندیشه مهدویت از دیدگاه اسماعیل و امامیه. قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی.
- محمدی هوشیار، علی. (۱۳۹۷). درسنامه نقد مدعی یمانی. قم: انتشارات تولی.
- مدنی، سید جلال‌الدین. (۱۳۹۱). تاریخ سیاسی معاصر ایران (ج ۱). قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- مرادخلج، محمد مهدی؛ روشنرگر، محمد مهدی. (۱۳۹۳). پدیده طلوعیان و نقش انگلیسی‌ها در شکل‌گیری آن. پژوهش‌نامه تاریخ‌های محلی ایـران، (۵)، صص ۱۵۲-۱۵۷.
- مرسل‌وند، حسن. (۱۳۸۸). گفت و شنودهای علی محمد باب با روحانیون تاریخ ایران (چاپ اول). تهران: تاریخ ایران.

مصطفوی، حسن. (۱۳۸۶). محاکمه و بررسی در عقاید و احکام و آداب و تاریخ باب و بهاء.

تهران: مصطفوی.

منصوری، عبدالعالی. (۱۴۳۱ق). گفت‌وگوی داستانی درباره دعوت مبارک یمانی. بی‌جا:

انتشارات انصار یمانی.

مهدیان‌فر، رضا. (۱۳۹۴). رویکرد تطبیقی به پایان تاریخ از نگاه قرآن و نظریه‌های معاصر. قم:

مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، مؤسسه آینده روشن.

نجفی، محمد باقر. (۱۳۸۳). بهائیان. تهران: مشعر.

نویختی، حسن بن موسی. (۱۳۹۱). فرق الشیعه (مترجم و تعلیق: محمدجواد مشکور). تهران: علمی و

فرهنگی.